

## زبان را جز از راه راستی به راهی مزان

نه به سطح سواد گوینده مربوط است و نه به سن و جنس افراد ربط دارد؛ کافی است در شرایطی قرار بگیریم



سلامت نیوز: نه به سطح سواد گوینده مربوط است و نه به سن و جنس افراد ربط دارد؛ کافی است در شرایطی قرار بگیریم که منفعت ما در قلب واقعیت باشد، آن گاه خیلی هایمان وسوسه می شویم که برای عبور از بحران پیش آمده، دست به دامن دروغ شویم. معمولاً به مساله دروغ به عنوان يك کنش غیراخلاقی و يك رفتار شخصی نابجا نگاه می شود، اما از تاثیرات گسترده اجتماعی و تبعات منفی آن، کمتر سخن به میان می آید.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از جام جم؛ نمی توان گفت دروغ، پدیده ای منحصر به يك کشور یا يك قومیت خاص است، اما رواج و شیوع آن در برخی جوامع، بیشتر به چشم می آید. کشور ما نیز از این آسیب اجتماعی مصون نمانده است و اگر بخواهیم واقع بینانه به روابط اجتماعی بین ایرانیان نگاه کنیم این رفتار ناپسند در حال تبدیل شدن به يك رفتار همه گیر است، رفتاری که می تواند مانعی جدی در مسیر توسعه اجتماعی و اقتصادی هر کشوری باشد.

### چرا دروغ در جامعه رواج دارد؟

دروغگویی با منفعت رابطه مستقیم دارد، یعنی تا وقتی فردی احساس نکند از بیان يك جمله غیرحقیقی، منفعتی نصیبش خواهد شد، بندرت پیش می آید لب به دروغ بگشاید. اما سوال اینجاست که چرا در برخی گروه های اجتماعی، افراد حاضر می شوند از منافع خود بگذرند و دروغ نگویند، اما گروهی دیگر ترجیح می دهند برای انتفاع بیشتر، به دروغ متوسل شوند.

حمید جعفرنژاد، کارشناس علوم اجتماعی در همین رابطه به «جام جم» می گوید: نمی خواهیم از بُعد شخصی و روانشناسی به قضیه دروغ نگاه کنم، بلکه از منظر جامعه شناسی، دروغ و شیوع آن در جامعه به عوامل گوناگونی ربط دارد؛ مثلاً سوال اینجاست که چرا در کشوری مثل سوئد که اتفاقاً آموزه های دینی در آنجا رواج چندانی ندارد، حجم دروغگویی مردم به یکدیگر پایین است ولی در اغلب کشورهای خاورمیانه که مردمی دیندار دارد، دروغ به امری رایج تبدیل شده است.

وی می افزاید: باید در نظر بگیریم سطح امکانات و دروغ نیز با هم رابطه جالبی دارند؛ یعنی مثلاً در همین کشور سوئد که مثال زدیم، سطح رفاه جامعه از استانداردهای مطلوبی پیروی می کند، اما این موضوع در کشورهای خاورمیانه صادق نیست؛ در واقع طبیعی است وقتی شهروندی از لحاظ امکانات زندگی در وضع مطلوبی باشد، حاضر نمی شود برای دریافت منفعتی ناچیز، دروغ بگوید.

### سیستم تنبیه درستی نداریم

زمانی که يك رفتار غیراخلاقی در سطح جامعه شیوع پیدا می کند، می تواند به این معنی هم باشد که جامعه، این رفتار را آنقدرها زشت و ناپسند نمی داند؛ به طور مثال اگر در شهری، حمل سلاح در منزل به صورت يك رفتار فراگیر درآید، می تواند به این معنا باشد که ساکنان آن شهر، حمل سلاح را يك رفتار غیرعادی نمی دانند؛ این دقیقاً همان اتفاقی است که در برخی شهرهای ایالت متحده آمریکا وجود دارد.

جعفرنژاد تاکید می کند: عادی شدن دروغ در جامعه، ناشی از آن است که مردم هنوز دروغگویی را يك حرکت غیراخلاقی بزرگ نمی دانند؛ در واقع می توانم بگویم حسگرهای جامعه ما نسبت به مساله دروغ، کارایی اش را از دست داده است و دروغگویی به امری بدیهی و معمولی در معادلات روزمره تبدیل شده است. وی با بیان این که جامعه ما، سیستم تنبیه درستی برای دروغ ندارد، تصریح می کند: در بسیاری از موارد، نه تنها دروغگويان جامعه را تنبیه نمی کنیم، بلکه به طور غیرمستقیم به آنها هم پاداش می دهیم.

این کارشناس علوم اجتماعی توضیح می دهد: اگر بخواهیم بی تعارف حرف بزنیم، الان در بسیاری از بخش های اقتصادی، دروغگویی

يك امر رایج است و ما نه تنها افرادی که با دروغ، اجناسشان را با قیمت‌های غیرواقعی یا کیفیتی پایین می‌فروشند برخورد نمی‌کنیم، بلکه با خرید از آنها، دروغ‌گویی را به طور ناخواسته تشویق می‌کنیم. وی یادآور می‌شود: در حقیقت وقتی مثلاً يك فروشنده به این استنباط برسد که می‌تواند با دروغ‌گویی به سود بیشتر برسد، در نتیجه جامعه بدون آن که بخواهد، مشوقی برای دروغ قرار داده است.

#### تعارض در تربیت خانواده و حقیقت جامعه

بسیاری از خانواده‌های ایرانی، از همان دوران کودکی نسبت به دروغ‌گویی فرزندانشان حساس هستند و تلاش می‌کنند فرهنگ راستگویی را به کودکان بیاموزند، اما جعفرنژاد می‌گوید: قبول دارم که خیلی از خانواده‌های ایرانی به مساله دروغ‌گویی فرزندانشان حساس هستند ولی قضیه اینجاست که بین تربیت خانواده و واقعیت‌های جامعه در بسیاری از موارد، تعارض وجود دارد.

وی توضیح می‌دهد: مثلاً فکر کنید خانواده‌ای از همان دوران کودکی فرزندشان به او یاد داده‌اند دروغ نگوید، اما همین کودک وقتی بزرگ‌تر می‌شود و وارد جامعه بزرگسالان می‌شود، می‌بیند با راستگویی اموراتش نمی‌گذرد و حتی راست گفتن باعث ضربه خوردنش می‌شود و به همین دلیل است که احتمال دارد این فرد، تربیت خانوادگی‌اش را فراموش کند و برای تطابق با هنجارهای رایج جامعه‌اش، متوسل به دروغ شود.

#### آیا دروغ‌گویی از فرد به جامعه سرایت می‌کند؟

شاید در وهله اول، همان بحث مرغ و تخم‌مرغ به ذهنمان بیاید، این که آیا فرد و خانواده‌ها موجب می‌شوند دروغ در جامعه گسترش یابد یا این که جامعه با نظام‌های اجتماعی و اقتصادی که به افراد تحمیل می‌کند، دروغ را به خانواده‌ها سرایت می‌دهد. جعفرنژاد بر این باور است که در بحث دروغ، هم فرد مقصر است و هم جامعه.

وی توضیح می‌دهد: واقعیت این است که نظام اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی جوامع موجب می‌شود گاهی دروغ‌گویی از بالای هرم جامعه (مدیران) به سطوح پایین هرم جامعه (شهروندان) سرایت پیدا کند، اما این اصلاً به این معنی نیست که خانواده‌ها، نقشی در دروغ‌گویی اعضای جامعه ندارند.

این پژوهشگر مسائل اجتماعی با اشاره به فرهنگ تربیتی در کشور ژاپن می‌گوید: ما جامعه‌شناسان هر وقت درخصوص مسائلی همچون ربا، دروغ و غیبت صحبت می‌کنیم، کشور ژاپن را مثال می‌زنیم؛ یعنی جالب است در سیستم رفتاری کشور ژاپن، هم خانواده و هم حکومت، نقش مکمل دارند؛ طوری که هم خانواده‌ها و هم مدیران تلاش می‌کنند فرهنگ صداقت، تلاشگری و رعایت اخلاقی را به کودکان و سایر اعضای جامعه منتقل کنند.

#### از دروغ‌گویی تا ضعف شخصیت

اگر از بعد کلان و جامعه‌شناختی دروغ‌گویی فاصله بگیریم و بخواهیم این واقعیت اخلاقی را در سطح فردی‌تری کنکاش کنیم، در این شرایط می‌توانیم بگوییم والدین، دوستان و شخصیت فرد، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اخلاق راستگویی دارند. مریم حبیبی، کارشناس روان‌شناسی و رفتارشناسی با اشاره به تفاوت‌های شخصیتی دروغ‌گویان به #171:جام‌جم می‌گوید: انگیزه‌های دروغ‌گویی افراد با یکدیگر متفاوت است؛ اما شباهت عمده بین افرادی که زیاد دروغ می‌گویند، ضعف شخصیتی آنهاست.

وی می‌افزاید: ما امروزه با انبوه افرادی مواجه هستیم که احساس می‌کنند به اندازه کافی قوی یا خوشبخت نیستند، مثلاً در محیط‌های مجازی شاهد هستیم افراد با هویت‌های غیرواقعی تلاش می‌کنند نسبت به جایگاه اجتماعی و توانایی‌های واقعی‌شان دروغ بگویند. این کارشناس رفتارشناسی بر این باور است که اگر ضعف شخصیت افراد دروغگو را درمان کنیم، دروغ‌گویی آنها را هم درمان خواهیم کرد.

حبیبی خاطر نشان می‌کند: خیلی از افراد بدون آن که منفعتی عینی از دروغ‌گویی حاصلشان شود، دروغ می‌گویند و داستان دروغ‌گویی آنها با افرادی که با دروغ‌گویی، دیگران را اغفال می‌کنند و سود سرشاری می‌برند متفاوت است؛ در واقع معتقدم اگر دروغ‌گویی بر اثر عادت یا از سر کمبود توجه باشد، اینجا روان‌شناس باید با بالا بردن اعتماد به نفس فرد دروغگو او را کمک کند، اما اگر دروغ‌گویی به منظور کلاهبرداری و اغفال باشد، اینجا باید با سیستم تنبیه، مانع گسترش دروغ‌گویی شد.

#### معذورات اخلاقی، عاملی در ترویج دروغ

فرهنگ تعارف در جامعه ما، قدمتی طولانی دارد و این هنجار اجتماعی از نسلی به نسل دیگر هم منتقل شده است. حییبی در خصوص فرهنگ تعارف و رابطه آن با دروغ می‌گوید: از همان بدو تولد، اغلب خانواده‌های ایرانی به ما می‌آموزند احساس و عواطف خود را در پوشش تعارف کتمان کنیم و ما هم نه‌تنها در کودکی، که در مراحل مختلف زندگی می‌آموزیم با تعارف زندگی کنیم؛ بحث دروغ هم خارج از این موضوع نیست، یعنی خیلی اوقات ما به دلیل تعارف و قرار گرفتن در معذورات اخلاقی، مجبور به دروغ‌گویی می‌شویم.

این روان‌شناس توضیح می‌دهد: تعارف باعث می‌شود ما بخشی از خواسته‌های قلبی‌مان را پنهان کنیم یا این خواسته‌ها را وارونه جلوه دهیم، مثلا بارها پیش آمده است از يك نوع غذا، يك رنگ یا يك لباس خاص بیزار بوده‌ایم، اما به خاطر همین مساله تعارف، مجبور شده‌ایم به دروغ بگوییم از این غذا یا از انجام این کار لذت می‌بریم.

وی تاکید می‌کند: بخش تکان‌دهنده قضیه اینجاست که وقتی شما خودتان هستید و بدون تعارف رفتار می‌کنید و دروغ نمی‌گویید، جامعه از کنش‌های شما غافلگیر می‌شود و حتی احتمال دارد به دلیل صادق بودن، از جمع‌های دوستانه کنار گذاشته شوید. در هر حال، اگر به تاریخ جوامع توسعه یافته نگاهی گذرا بیندازیم، براحتی می‌بینیم در این کشورها، همواره برای توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های مدنی، از مسائل فرهنگی بهره برده‌اند؛ یعنی برای اصلاح امور مادی کشور، ابتدا امور فرهنگی جامعه را سامان بخشیده‌اند و بی‌گمان این فرآیند اصلاح در کشور ما نیز می‌تواند مسیر توسعه را هموارتر کند.